



نشریه الکترونیکی کمیته
بین المللی علیه اعدام

علیه اعدام

۵۴

۳ بهمن ۱۳۸۵ ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷

مجازات اعدام
شنیع ترین شکل
قتل عمد است

www.adpi.net

Tel:0046733684151

babakshadidi@yahoo.com

سر دبیر: بابک شدیدی

قطعه نامه پیشنهادی به کنگره جهانی
علیه اعدام
صفحه ۴

مبارزه علیه اعدام تا لغو اعدام
سارا نخعی
صفحه ۵

اعدام صدام حسین را بشدت محکوم
میکنیم!
صفحه ۶

اعدام صدام حسین و بی تفاوتی
مدافعین لغو حکم اعدام
مرجان افتخاری
صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری
ایران
به مناسبت اعدام صدام
صفحه ۱۰

اعدام کودکان و نوجوانان توسط
جمهوری اسلامی،
باید به این توحش خاتمه داد
صفحه ۱۰

اعدام کودکان و صدور حکم اعدام
برای کودکان باید متوقف شود!
ماشین کودک کشی جمهوری اسلامی
را باید از کار انداخت!
صفحه ۸



مصاحبه نشریه علیه اعدام با مریم فاطمی مادر
نازنین فاطمی
روز جمعه ۱۹ ژانویه مریم فاطمی در یک گفتگوی تلفنی به
سوالات ما پاسخ داد.
**نازنین و خانواده من از همه شما
ممنونیم.**



**علیه اعدام: سلام به شما میکنیم
و اولین سوال ما این است که الان
چه احساسی دارید؟
مریم فاطمی: من و پدر نازنین و**

صفحه ۲

**پرونده دلارا دارابی در پرده
ابهام، دلارا در زندان خودکشی
کرد!**



بنا به اخباری که به کمیته بین المللی
علیه اعدام رسیده است، هنوز نتیجه
دادگاه نهایی رسیدگی به پرونده دلارا
اعلام نشده است. از سوی دیگر
امروز یکشنبه ۲۱ ژانویه، طبق
خبرهایی که به ما رسیده است، دلارا در
زندانش رشت خودکشی کرده و وضع
جسمی او بسیار وخیم گزارش شده
است.

صفحه ۳

**فراخوان جمع آوری کمک
مالی برای آزادی نازنین
از زندان
آخرین اخبار از نازنین
فاطمی و موقعیت پرونده
او**

نازنین فاطمی تبرئه شد و حکومت
اسلامی از خانواده او تقاضای دیه یا
پول خون کرده است. این رفتار
غیرانسانی و ارتجاعی باید محکوم
شود. این حکومت اسلامی است که
باید بخاطر لطمات روحی و جسمی و
اذیت و آزار نازنین در طول دوره
زندانش غرامت بپردازد. وکلای نازنین
نیز به درخواست پرداختن دیه از
سوی جمهوری اسلامی اعتراض کرده
اند.

در عین حال روز دوشنبه وکلای
پرونده نازنین طی تماسی با مسئولین
پرونده در دادگستری باخبر شدند که
در صورت پرداخت ۴۰ میلیون تومان،
یعنی حدود ۴۰ هزار دلار، وثیقه،
نازنین از زندان آزاد میشود.

تهیه چنین مبلغ سنگینی از سوی
خانواده نازنین عملی نیست. ما دست
یاری به سوی مردمی دراز میکنیم که
به کمپین آزادی نازنین کمک کرده اند
و آنرا به پیروزی رسانده اند. از همه
شما مردم آزادیخواه، از همه نهادها و
سازمانهای مدافع حقوق انسان در
ایران و در سراسر دنیا دعوت میکنیم
که به کمک به صندوق ویژه ای که
برای این کار سازمان داده ایم کمک
کنید.

صفحه ۲

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

شماره حسابهای کمیته بین المللی علیه اعدام

Post Bank : آلمان

International kampagne von frauenrechte e.v

Konto. 856915 469

IBAN. DE36 4401 0856 9154 69

BIC PBNKDEFF

Bliz: 44010046

سوئد

Plu sgirokonto 412085-3

SE 819500 00996042

0412 0853

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۵ ژانویه ۲۰۰۷

www.adpi.net

بانکی کمیته بین المللی علیه

اعدام در سایت کمیته علیه

اعدام www.adpi.net

یا همین شماره حسابهای

پایین ارسال کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام

از همگان دعوت میکند

کمک کنید تا یک کمپین

انسانی نتیجه دهد . کمک

کنید تا نازنین را از زندان

آزاد کرده و آزادی او را در

همه جا جشن بگیریم. با

پرداخت این وثیقه میتوانیم

نازنین را به آغوش خانواده

اش برگردانیم.

از صفحه ۱

کمپین نجات نازنین اعلام

میکند که ما برای تهیه این

مقدار پول وثیقه اقدام کرده و

از همه نهادها و شخصیتها و

همه مردم در ایران و در دنیا

دعوت میکنیم که با کمک به

صندوق جمع آوری ۴۰

میلیون تومان مبلغی حدود

۴۰ هزار دلار، کاری کنند

که نازنین هر چه زودتر به

آغوش خانواده خود برگشته و

در عین حال این کمپین

گسترده سیاسی و مهم به

آزادی نازنین منجر

شود. میتوانید کمکهای خود را

از طریق شماره حساب

از صفحه ۱

همین طور بچه ها در خانه

بسیار خوشحال هستیم.

دخترهای دیگرم میگویند

یکبار دیگر نازنین به ما پس

داده شد و خود آنها انگار تازه

متولد شده اند. نازنین در

زندان خوشحال است و

میخندد. بیروز با من حرف

زد میگفت مامانی قبلا هر چه

صدای بلندگو می آمد دلم فرو

میریخت فکر میکردم الان

اسم منو صدا میزنند و خیلی

می ترسیدم که اعدام کنند.

حتی وقتی وقت نهار بود و یا

برای کاری صدای بلندگو می

آمد، تمام بدنم یخ میکرد و

صدای قلبم را می شنیدم. الان

سه روز است که از این صدا

وحشت ندارم. مامانی من

در زندان هیچ وقت با صدای

بلند نمی خندیدم، ولی الان

اینکار را میکنم.

علیه اعدام. پدر نازنین

چه میگوید، در دادگاه

حرفهایی بود که گویی پدر

زیاد از حکم اعدام نازنین

ناراحت نشده بود؟

مریم فاتحی : اصلا

اینطور نیست. پدر نازنین

زیر بار این واقعه کمرش

شکست. او بعد از دادگاه

نهایی، چنان ضعیف و تحت

فشار بود که نمیتوانست راه

برود. پسر بزرگش که از یک زن دیگر اوست، کمک کرد تا او به منزل آنها برود و کمی استراحت کند. پدر نازنین اتفاقا همان روز که با ترس و لرز به خانه رفته و منتظر اعلام نتیجه دادگاه بود، در ماهواره شما ها را دیده بود و اینکه در مورد نازنین حرف میزنید، خیلی خوشحال شده بود و به من تلفن کرد و گفت نازنین در دنیا معروف شده است.

علیه اعدام: سمیه

کجاست؟ از او و وضع

روحي او خبر دارید؟

مریم فاتحی : نه از او

اخيرا خبر نداريم، از ترس

رفته با پدرش سنندج. او هم

همیشه می ترسید که بلایي

سرش بیاید و دستگیر و یا

زندانی شود. بعد از خبر

تبرئه نازنین او را ندیده ام.

علیه اعدام: به مردم چه

پیامی دارید؟

مریم فاتحی: از همه

ممنون هستم. از همه آنهايي

که تا امروز کمک کردند و

دختر مرا از مرگ نجات

دادند. اگر شما نبودید از

دست ما هیچ کاری ساخته

نبود. فقط میتوانستم گریه کنم.

من در این دنیا هیچ کس را

ندارم، نه پدر و نه مادر و نه

کسی که دلش به حال من بسوزد. الان یک دفعه شما پیدا شدید با اینهمه محبت، واقعا این معجزه بود، یا اینکه من خواب می بینم. من فقط در بالا خدا را دارم و در پایین شما را. الان هم از همه میخواهم کمک کنند دخترم از زندان بیرون بیایند

علیه اعدام : در ایران

عکس العمل مردم به

فراخوان کمک مالی برای

نجات نازنین چگونه است؟

مریم فاتحی: از این

فراخوان استقبال شده و

تعدادی با ما تماس گرفته و

گفته اند کمک میکنند.

علیه اعدام : فیلم داستان

دو نازنین را دیدی؟

مریم فاتحی: آره این فیلم

را ما دیدیم، دوستان و آشنایان

زیادی این فیلم را دیده اند. من

باز هم از شما تشکر میکنم

بخاطر زحمات زیادی که

کشیدید. من میدانم که یکسال

تمام است شما شبانه روزی

برای این کار تلاش میکنید.

نازنین از این فیلم شنیده و از

اینکه در دنیا برای نجات او

تظاهرات شده و عکس نازنین

را پخش کرده اند. ملاقاتی های

زندانیان به او گفته اند که نازنین

ترا در ماهواره دیده ایم و او

خیلی از این مسئله خوشحال

است.

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است
International Committee Against Executions

علیه اعدام
سر دبیر: بابک شادیدی

نشریه الکترونیکی کمیته بین المللی علیه اعدام

E-mail: babakshadidi@yahoo.com

Tel: 0046733684151

www.adpi.net

حق زندگی را
ارج نهیم!

از حق حیات علیه
اعدام ، دفاع کنید

گفت وگو با نازنین فاتحی آزادی برای من رویای محال بود اعتماد:

نازنین در حالی که به شدت گریه می کند زندگی من آنقدر سخت بوده که کسی باور نمی کند. آنقدر بدبختی کشیده ام که حتی نمی توانم تصور کنید. بعضی ها همه چیز دارند و می گویند زندگی مان سخت است پس ما که هیچ چیز نداریم باید چه بگوییم. من حرف های زیادی برای گفتن دارم اما می خواهم همه در دلم بماند تا بعدها فقط به مادرم بگویم.

نسبت به خانواده مقتول چه احساسی داری؟

من هم از مرگ یوسف ناراحت هستم. حتی پنجشنبه هفته پیش در زندان خرما پخش کردم. همه بچه ها از این کارم تعجب می کردند. من در مرگ یوسف مقصر نبودم تقصیر خودش بود اگر سر راه من قرار نمی گرفت که با او کاری نداشتم.

فکر می کنی بعد از آزادی بتوانی زندگی راحتی داشته باشی؟

شاید وقتی از زندان بیرون آمدم همه به من به چشم یک قاتل نگاه کنند. این موضوع مرا خیلی آذین می کند و هر وقت به آن فکر می کنم گریه ام می گیرد

برایم گذشت ولی مجبور بودم تحمل کنم.

در این مدت فکر می کردی ممکن است روزی آزاد شوی؟

من هیچ وقت فکر نمی کردم بتوانم از زندان بیرون بروم. برای همین مجبور بودم شرایط را تحمل کنم. آزادی برایم یک رویای دست نیافتنی بود

قصد داری بعد از آزادی چه کار کنی؟

می خواهم پیش خانواده ام باشم و هیچ وقت ترکشان نکنم. در این مدت که زندان بودم فهمیدم دوری از خانواده، خواهر، مادر و پدر چقدر سخت است. اگر بتوانم می خواهم درس هم بخوانم و در کنار آن کار هم بکنم.

زندگی برایت چه مفهومی دارد؟

خودت تا چه مقطعی درس خواندی؟

تا کلاس سوم ابتدایی درس خواندم و به خاطر مشکلات مالی نتوانستم ادامه تحصیل بدهم

نظرت درباره حکمی که صادر شده چیست

من بی گناه هستم و قصد کشتن یوسف را نداشتم. الان هم نگران هستم که نتوانم دیه را بدهم. خانواده ام چنین پولی ندارند و فقط در صورتی می توانم دیه را بپردازم که اشخاص دیگری به من کمک کنند.

شرایطت در زندان چطور است؟

من در زندان خیلی سختی کشیدم. مخصوصاً وقتی در زندان رجایی شهر بودم. این سه سال به اندازه 10

نازنین روز گذشته در گفت وگویی کوتاه به سوالات خبرنگار ما پاسخ داد، از رنج هایش گفت. این گفت وگو را بخوانید

در کجا و چه خانواده بی زندگی می کردی؟

من در سال 66 در کرج متولد شدم و اکنون مقیم شهرک سهرابیه کرج هستم. پدرم قبلاً در یک نهاد نظامی کار می کرد اما اکنون بازنشسته شده و مادرم نیز خانه دار است. من بزرگ ترین فرزند خانواده هستم و 4 خواهر دارم که کوچک ترین آنها 12 ساله است. دو برادر هم دارم که یکی 15 سال و دیگری سه سال دارد. وضعیت مالی خانواده ات چطور است؟

هیچ کدام از اعضای خانواده ام شاغل نیستند و خواهر و برادرهای به خاطر فقر مالی نمی توانند درس بخوانند. ما شرایط سختی داشتیم و خانه بی که الان زندگی می کنیم اجاره بی است.

برای نجات دلارا دارابی

دلارا دارابی ۱۷ سال داشت که به اتهام قتل یکی از اقوام خودشان دستگیر شد. او به همراه دوست پسرش، ظاهراً برای سرقت به خانه یکی از افراد فامیل خود رفته و متأسفانه صاحبخانه در جریان مقاومت و دفاع از خود به قتل رسیده است. دلارا میگوید دوستم به من گفت تو قتل را به عهده بگیر چون جوان هستی و فامیل مقتول، شامل حکم اعدام نمی شوی. به این ترتیب دلارا قتلی را به عهده گرفت، که اکنون میگوید او این قتل را انجام نداده است. اما در جریان محاکمه بلافاصله به اعدام محکوم شد. وکیل او و همه دست اندرکاران پرونده و همه کسانی که دلارا را دیده اند، معتقدند که او از نظر جسمی و روحی در شرایطی نبوده که دست به این قتل زده باشد و ما اضافه می کنیم که حتی اگر این قتل توسط دلارا و دوست او انجام گرفته باشد، کسی را نباید به اعدام محکوم کرد و بویژه اعدام نوجوانان در همه دنیا ممنوع است و حکومت اسلامی نیز نباید جرات کند نوجوانان را بیشترمانه به اعدام محکوم کرده و آنها را به قتل برساند.

برای نجات دلارا کمپینی در جریان است. اخیراً در تهران نمایشگاه نقاشی های دلارا در جریان بود و توجه زیادی را بخود جلب کرد. کمیته علیه اعدام برای نجات دلارا دارابی کمپینی اعلام کرده و اقدامات متعددی انجام داده است. اما بزودی رئوس یک فعالیت گسترده و جهانی برای آزادی دلارا را اعلام می کنیم و اینجا با چاپ ادعانه تکان دهنده و دردناک پدر دلارا همگان را به کمک فرامی خوانیم.

مینا احدی هماهنگی کننده کمیته بین المللی علیه اعدام ژانویه ۲۰۰۷

انسانی و از همگان دعوت میکنند که به جمهوری اسلامی فشار آورند تا این رفتار ضد انسانی با دلارا را خاتمه داده و حکم اعدام را رسماً ملغی کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت دلارا، به فعالیتهای خود برای نجات جان دلارا شدت و حدت بیشتری بخشیده و از همگان دعوت میکند با ما در این امر مهم همکاری کنند. کمک کنید دلارای جوان را از این وضع خطرناک نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۱ ژانویه ۲۰۰۷

www.adpi.net

00491775692413

از صفحه ۱

دلارا در زندان تحت فشارهای زیادی بوده و جنایتکاران حکومت اسلامی نه فقط با محکوم کردن این دختر جوان به اعدام او را در وضعیت جسمی و روحی وحشتناکی قرار دادند، بلکه با آزار و اذیت مداوم او در زندان، او را تا حد خودکشی پیش بردند.

خانواده دلارا از آزارهای جسمی و روحی فراوان در زندان علیه دلارا همواره شکایت کرده و خواهان انتقال او به یک زندان دیگر بودند. پدر دلارا در یک ادعانه که از طریق کمیته علیه اعدام توزیع شد، درخواست کمک فوری برای انتقال دلارا به یک زندان دیگر را داشت.

متأسفانه دلارای جوان زیر فشارهای متعدد روحی و جسمی تاب مقاومت نداشته و دست به خودکشی زده است. آخرین خبرها حاکی است که وضع جسمی او وخیم گزارش شده و باید منتظر اخبار بعدی بود.

خانواده دلارا در عین حال یکبار دیگر از همه نهادهای مدافع حقوق

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

ادعا نامه تکان دهنده پدر دلارا دارابی

زندان راه رفتن من، خوراک خوردن من، نقاشی کردن و حرف زدن و خوابیدن من با توهین و عکس العمل زشت روبرو میشود. در اینجا برای ۲۰۰ نفر یک توالی داریم و اعتراض به این وضع با مجازات روبرو میشود. آیا این وضع برای یک جوان ۲۰ ساله قابل تحمل است؟ ما الان اجازه نداریم یک وعده غذایی خوب به دخترم برسانیم و آخرین ملاقاتی که ما با دلارا داشتیم او از بوسیدن مادرش امتناع کرد و میگفت، اینجا پر از میکروب است. نمیخواهم بیماریهای احتمالی را که گرفته ام به شما منتقل کنم.

با دیدن این اوضاع و با شنیدن اخبار رفتار غیر انسانی با دخترم، شبها خواب ندارم. من پدر دلارا دارابی سه سال است که زندگیم بر باد رفته است. کار و کاسبی را ول کرده ام و افتاده ام دنبال این پرونده. برای اجرای حق و عدالت و در دفاع از انسانیت. من در این کارها از وجدان دفاع میکنم و از حق و عدالت. به من و به ما کمک کنید تا عدالت را اجرا کنیم. در اینجا بویی از عدالت و انسانیت نیست.

حد آزار نبیند. اجازه دهید که خود ما از او مراقبت کنیم. اجازه دهید که به او دفتر و قلم و کتاب و کاغذ بدهیم و اجازه دهید که او مشغول نقاشی کردن باشد. او تنها کتاب و دفتر و مداد و وسایل نقاشی را می شناسد.

من در انقلاب شرکت کردم. ما انقلاب کردیم تا عدالت اجرا شود. ولی در این مملکتی که من در آن نفس میکشم، بویی از عدالت نشنیده اند و من عدالتی را تجربه نکرده ام.

من از انسانهای بشردوست، از وجدانهای آگاه میخواهم که کمک کنند، دلارا آزاد شود. دلارا فقط یک نمونه است هزاران مثل دلارادر زندانها هستند.

دختر من در زندان هم جاننش در خطر است. بارها و بارها نامه نوشتم و خواهان بهبود شرایط و استناداردم زندان شدم، جواب سربالا گرفتم و یا به من هم توهین کردند. من خواهان انتقال دخترم به یک زندان دیگر هستم. به این خواست کوچک هم وقتی نمی نهند. دلارا میگوید در این

من سه سال پیش، وقتی از ماجرا مطلع شدم، خودم دخترم را تحویل دادگاه و تحویل قانون دادم. قانون و قوه قضاییه ای که اکنون با تمام وجود لمس میکنم که در آن هیچ عدالتی نیست.

امروز بچه من نه فقط بدلیل محکومیت به اعدام جاننش در خطر است، بلکه بدلیل رفتاری که در زندان شماره ۲ نسوان رشت با او میکنند، نیز جاننش در خطر است. بچه من حق دارد که شکنجه نشود، حق دارد که در زندان از استانداردهای رفاهی و غذایی خوبی برخوردار باشد. اما در اینجا از این امکانات اولیه خبری نیست. غذایی کافی به او نمیدهند. خرج این بچه را ما میدهیم. اما اجازه نداریم ملاقاتش کنیم. همین امروز که با شما حرف میزنم، من و مادرش و خواهرانش به دیدن او رفتیم، ولی باز به بهانه ای اجازه دیدن او را نداشتیم. من میگویم فرزند دلبند مرا در یک قفس آهنین بگذارید و کلیدش هم دست خودتان باشد، فقط اجازه دهید که روحش تا این

دختر من دلارا دارابی متهم به قتلی ناکرده است. او گناه کس دیگری را به دلیل قلب مهربانش به عهده گرفته و به نوعی خود را آلوده این پرونده کرده است. دفاع من از او نه بدلیل اینکه او فرزند من است، دفاع من از او دفاع از حقیقت و دفاع از عدالتی است که در اینجا وجود ندارد. من خواهان اجرای عدالت هستم و دلارای من دو سال است که اسیر کسانی است که هیچ بویی از انسانیت و عدالت نبرده اند.

من این رفتار با دختر دلبندم را محکوم میکنم. از هر کس که میخواهد بیاید و این پرونده و نحوه رفتار اینها با دخترم را بررسی کند، دعوت میکنم بیاید. اصلاً حقوق بشر اسلامی بیاید تحقیق کند، از فلسطین و یا لبنان و یا از هر جایی که اینها قبول دارند هیئت بیاید و ببیند با بچه ۱۷ ساله من چه کرده اند. هر روز یک بلا سرش می آورند، سه سال است که در زندان است و اکنون ۲۰ ساله است. او در زندگیش تا ۱۷ سالگی هیچ چیز ندیده جز ناز و نعمت، هیچ چیز را نمی شناسد، جز دفتر و قلم و کتاب و موزیک و نقاشی.

قطعه نامه پیشنهادی به کنگره جهانی علیه اعدام

فعال مدافع حقوق انسانی به پیش برده شد و باعث نجات نازنین شد. الان مسئله اصلی لغو قانون وحشیانه قصاص و سنگسار در ایران است و بهمین دلیل قطعه نامه زیر به کنگره جهانی علیه اعدام تقدیم میشود.

قطعه نامه علیه اعدام و سنگسار در ایران
جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای در صدر جدول برای قتل عمد دولتی است. این حکومت جزو معدود کشورهایی است که کماکان کودکان و نوجوانان را اعدام میکنند. در این کشور کماکان زنان و مردان بجرم رابطه جنسی خارج از ازدواج و یا همجنسگرایی سنگسار میشوند، کنگره جهانی علیه اعدام ضمن محکومیت شدید اعدام و

دوستان گرامی
کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته علیه سنگسار نهادهای بسیار فعال و موثر در مبارزه علیه احکام اعدام و سنگسار در ایران هستند. کمیته بین المللی علیه سنگسار یک شبکه جهانی مقابله با سنگسار در دنیا و در ایران است. کمیته علیه اعدام نیز کمپین های گسترده جهانی را در چند سال اخیر با کمک نهادهای مهم بین المللی همچون عفو بین الملل و سازمانهای مدافع حقوق انسانی، بر علیه احکام اعدام در ایران به پیش برده است. کمپین نجات افسانه نوروژی، کبرا رحمانپور، شهلا جاهد، دلارا دارابی و دهها کمپین و فعالیت دیگر کوششی بوده برای مطرح کردن موضوع در سطح جهانی، و دامن زدن به یک مبارزه جهانی برای نجات جان محکومین به اعدام و برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران. آخرین نمونه موفق فعالیت این کمیته، کمپین نجات نازنین فاتحی در ایران است که با همکاری با نازنین افشین جم ،

سخنگوی کمیته بین المللی
علیه اعدام:
مینا احدی
minaahadi@aol.com

تلفن تماس

00491775692413

مسئول کمیته : منوچهر

ماسوری

manochermasori@yahoo.com

تلفن تماس:

0046704917494

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار

www.adpi.net
www.helpnazanin.com

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳



مبارزه علیه اعدام تا لغو اعدام

سارا نخعی

با وجود سردی هوا و عجله مردم برای رفتن به داخل سالن مردم با انداختن پول به صندوق حمایت خود راز مبارزه علیه اعدام نشان میدادند در مدت کوتاهی مبلغ قابل توجهی کمک مالی و همچنین امضای اعتراضی جمع شد. وقتی کارم تمام شد احساس رضایت می کردم و به این فکر میکردم تنها مبارزه علیه اعدام تا لغو اعدام است که می تواند خوشحال کننده باشد نه اجرای حکم اعدام دیکتاتوری چون صدام.

خوانندگان ایرانی در آنجا برنامه اجرا کنند. من که یکی از فعالین علیه اعدام هستم با خودم فکر کردم حال که این برنامه با اعدام صدام مصادف شده بهترین موقعیت است که به میان جمعی از مردم بروم و در جهت مبارزه علیه اعدام کار مثبتی انجام دهم. به همین خاطر به محل برگزاری کنسرت رفتم و حدود 2 ساعت در بیرون سالن مشغول شعار دادن و جمع آوری کمک مالی و همچنین امضای اعتراضی و دعوت از مردم به حمایت از کمیته بین المللی علیه اعدام بودم.

سراسر وجودم مملو از تنفر از این اجرای عدالتی است که دولت ها فقط به خاطر بقای عمر ننگینشان به آن متوسل میشوند. کشتن انسانها برایشان فرقی نمی کند چه از بهترینها باشند چه بدترینها. ولی بشریت متمدن قرن 21 دیگر این اجرای عدالت را نمیپذیرد و دیر نیست که یک مهر باطل شد بزرگ بر آن بزند. امشب در شهر استکهلم به مناسبت سال نو میلادی کنسرتی در محل گلوبن برگزار شد که قرار بود

باشنیدن خیر اعدام صدام باینکه برایم غیر منتظره نبود احساس عجیبی پیدا کردم تمام روز جلو چشم چهره همه مبارزینی بود که بدست جمهوری اسلامی اعدام شدند چه آنهایی که از نزدیک می شناختم و چه آنهایی که نمی شناختم ولی یقین دارم که همگی از بهترین انسانها بودند و خواهان یک زندگی شاد و انسانی برای خود و دیگران.

و امروز دولت دست نشانده عراق صدام جنایت کار را با پز و ژست اجرای عدالت و به جرم اینک یکی از بهترین انسانها بود اعدام کرد. با اینکه قلبم مملو از عشق به آن بهترینها و متنفر و انزجار از این بدترینها است با این وجود من هم مثل شما نه تنها از شنیدن خبر اعدام صدام خوشحال و راضی نشدم بلکه

اعدام صدام حسین و بی تفاوتی مدافعین لغو

مرجان افتخاری

حکم اعدام

در طی این سال-ها، همه روشنفکران، دانشجویان، کارگران و مردم عراق زیر فشار دهشتناک سیستم پلیسی و ترسناک رژیم صدام قرار داشتند. جنایات این رژیم و نقش مستقیم صدام حسین در رابطه با کشتار شیمیایی بیش از 5000 نفر زن، مرد و کودک بیگناه کرد در تاریخ جنایات بشری دنیا ثبت شده است.

سیستم نظامی و سرکوب صدام فقط منحصر به مردم عراق نبود. جاه طلبی و قدرت طلبی جزء خصوصیات بارز و شخصیتی صدام بود، تا آنجا که سودای رهبری دنیای عرب را در سر داشت. جنگ 8 ساله

دادگاه صدام حسین در 5 نوامبر پایان یافت و امروز 30 دسامبر خیر اعدام او تیترو اول تمام رسانه-های گروهی بین المللی بود. از ابتدای دستگیری و تشکیل دادگاه، حکم اعدام او با توجه به قوانین قضائی در عراق آشکار بود.

صدام حسین یکی از صدها دیکتاتوری بود که با کودتا قدرت را در عراق بدست گرفت و 35 سال چون هر دیکتاتور دیگری با ایجاد سیستم مخوف پلیسی- نظامی مردم زحمتکش و درد مند عراق را به وحشیانه ترین شکلی سرکوب کرد. سیستمی که به هیچ فرد، گروه و حزبی حق اظهار وجود نداد.

کمپین نجات دلارا دارابی در آستانه پیروزی

دلارا دختر جوانی است که در زندان شماره ۲ زنان در شهر رشت، به انتظار اعدام است. او را که از دو سال قبل حکومت اسلامی به اتهام قتل دستگیر کرده خطر اعدام تهدید میکرد. حکومت جنایت اسلامی در چندین دادگاه علیرغم اعتراضات گسترده به حکم اعدام دلارای جوان، مجدداً او را به اعدام محکوم کرده و اصرار داشت که این حکم هر چه زودتر اجرا شود.

به این حکم وحشیانه در ایران و در دنیا اعتراض شد. دلارا که نقاش و هنرمند و پیانیست است، در یک اقدام بسیار مهم، نمایشگاهی از نقاشی های خود را برای تماشای عموم در تهران سازمان داد و این حرکت توجه های باز هم بیشتری به او جلب کرد.

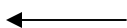
کمیته بین المللی علیه اعدام، هم با نمایش دادن نقاشی های دلارا و هم با میتینگ و تظاهراتهای متعدد در سراسر جهان و هم ملاقات و مذاکره با پارلمان اروپا و نمایندگان وزارت امور خارجه سوئد در یک ماه اخیر کوشید توجه ها را به دلارا دارابی جوان جلب کرده و اعتراض بر علیه این حکم اعدام را گسترش دهد.

هفته گذشته ادعای نامه پدر دلارا دارابی از طریق کمیته علیه اعدام در رسانه ها پخش شد بدنبال این نامه تکان دهنده اعتراضات به حکم اعدام دلارا باز هم گسترده تر شد و نامه های ابراز نفرت و انزجار از این حکم و نامه اعتراضی برای لغو این حکم بسوی حکومت اسلامی سرازیر شد. رئیس سازمان عفو بین الملل در سوئد در ملاقاتی با مینا احدی و افسانه وحدت قول داد که این مورد را با سرعت تمام پیگیری کند و همچنین بعد از ملاقات نمایندگان کمیته علیه اعدام با هیئت وزارت خارجه سوئد، در پارلمان سوئد در این مورد صحبت شد. همه این اقدامات فشار معینی را بر علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد و امروز خیر دار شدیم که در دادگاه نهایی رسیدگی به حکم اعدام دارا، به احتمال زیاد این حکم لغو شده است.

ما در اطلاعاتیه های بعدی خبر دقیقتر این واقعه را به اطلاع عموم خواهیم رساند. مبارزه بر علیه اعدام و کمپین های گسترده جهانی نتیجه میدهد و جمهوری اسلامی ایران مجبور میشود که در مقابل اعتراضات زانو زده و احکام اعدام را ملغی کند. به این جنبش گسترده بر علیه اعدام بپیوندید و کمک کنید جان انسانهای بیشتری را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

ژانویه ۲۰۰۷



جزء اصول تفکری ما است دفاع میگردیم. " لغو حکم اعدام و مخالفت با آن"

محکوم کردن حکم اعدام صدام و یا هر دیکتاتور دیگری به معنی دفاع از فاشیست-ها و مخدوش کننده مواضع سیاسی ما نیست. بر عکس بیانگر این موضوع است که اعدام این مجازات قرون وسطائی و غیر انسانی را که هنوز در بسیاری از کشور-های دنیا اجرا میشود محکوم میکنیم. و مخالف قوانین قضائی بجا مانده از عادات و رسوم مذهبی دوران برده-داری و فئودالیسم هستیم. اعدام صدام و بی تفاوتی ما باز گوی کننده این موضوع است که پای ما لنگ است و جاده بس دراز.

نکرده-اند. این سکوت به چه معنی است؟ در طول این مدت کمترین عکس العملی از طرف احزاب و گروه-های سیاسی که لغو حکم اعدام را در برنامه خود قرار داده-اند و مدافعین حقوق بشر دیده نشد.

آیا این به آن معنی نیست که ما دچار دوگانگی هستیم؟ آیا این به آن معنی نیست که این دیدگاه از نظر تفکری در ما رشد نکرده و هنوز در این مورد دچار تزلزل هستیم؟ در این میان تنها اتحادیه اروپا و بویژه نخست وزیر اسپانیا اعتراض خود را بعنوان یک اصل اعتقادی ابراز داشتند. همانطور که توضیح داده شد هیچکس و یا هیچ گروهی از صدام دفاع نکرده و نمی کند ولی در این ماجرا ما باید از آنچه که به آن اعتقاد داریم، آنچه که فکر میکنیم

دیکتاتوری مطلق رژیم صدام، سیستم هولناک پلیسی، قتل عام-های دسته جمعی، شکنجه، زندان و اعدام مردم بیگناه عراق توسط این رژیم بر هیچکس پوشیده نیست. همه مردم دنیا کاملاً آگاهند که صدام حسین و رژیم او جز ترس و وحشت، فقر و بدبختی برای مردم عراق هیچ چیز دیگری نداشت. هر آنچه که از سرکوب و سیستم ترور و وحشت صدام گفته و نوشته شود باز کم است، ولی هیچ چیز نمیتواند توجیح کننده سکوت عمیق احزاب، سازمان-ها، گروه-های سیاسی و مدافعین حقوق بشر باشد. تقریباً 2 ماه است که هیچ یک از این جریانات در این مورد اظهار نظر

→
ایران-عراق (بدون اینکه دخالت-ها و صدور انقلاب اسلامی رژیم ایران را فراموش کنیم) که فقط 1 میلیون نفر کشته برای ایران به جا گذاشت و حمله به کویت بیانگر روشنی از ویژگی-ها شخصیتی صدام و رژیم او بود. هدف این نوشتار بررسی حمایت-های نظامی و مالی کشور-های اروپائی، آمریکا و عربستان سعودی و تشویق صدام در مقاطع خاص و بر اساس منافع این کشور-ها نیست. هدف این مقاله بر خورد به مبانی و یا اصولی است که برای ما نهادینه نشده و بطور سطحی و شعار گونه به آن برخورد میکنیم

اعدام صدام حسین را بشدت محکوم میکنیم!



سحرگاه روز شنبه 30 ماه دسامبر 2006 صدام حسین اعدام شد. صحنه اعدام او در حالی که طناب دار به گردنش انداخته میشد، را در تلویزیونها نشان دادند. اعدام قتل عمد است و در هر نقطه از دنیا و بر علیه هر فردی محکوم است. اعدام صدام حسین، در عین حال با منافع و اهداف خاصی اجرا شد. صدام حسین یک دیکتاتور و یک جنایتکار بود. در طول سالیان سال حکومت این فرد و حزب بعث در عراق، هزاران نفر بدلیل متعدد، به جوخه اعدام سپرده شدند. هزاران نفر در زندانها و سیاهچالهای وحشتناک دوران حکومت او زجرکش شدند. در طول حکومت صدام حسین در عراق، خفقان و وحشتی در جامعه حاکم بود، که تصور آن برای بسیاری مشکل است. صدام دستور بمباران شیمیایی مردم در حلبچه را داد و باعث و بانی قتل وحشیانه هزاران کودک و زن و مرد بود که دنیا را متحیر کرد.

اما دادگاه فرمایشی که از طرف امریکا و دولت فعلی در عراق سازمان داده شد، هیچگاه به مردم امکان اینرا نداد که از همه ابعاد جنایات صدام مطلع شوند و این امکان را از مردم عراق گرفت که با برگزاری یک تریبونال بین المللی، همه ابعاد و همه جزییات و همه نیروهای درگیر در اعمال ستم و دیکتاتوری بر علیه مردم را افشا کنند. برگزاری این دادگاه فرمایشی از سوی سازمان عفو بین الملل هم به رسمیت شناخته نشد و این دادگاه از سوی بسیاری از نهادها بین المللی و مدافع حقوق انسانی بدلیل اعمال نفوذ امریکا و سیاسی بودن آن و نبود کمترین استاندارد یک تریبونال صالح به رسمیت شناخته نشد. امروز صدام حسین اعدام شد و زمینه اجرای احکام اعدام گسترده تر در عراق فراهم شد.

اعدام صدام حسین هیچ درجه از دادخواهی و رسیدگی به انزجار مردم از این دیکتاتور را نمایندگی نکرد. اعدام صدام حسین فقط به درگیریها و خونریزیها در عراق تداوم بخشیده و اعدام را در عراق رسمیت بیشتری میدهد. اعدام صدام حسین یک اقدام انتقام جویانه و با اهداف سیاسی بود. اجرای این حکم هیچ ربطی به عدالتخواهی نداشت و به منظور اجرای عدالت هم نبود. این رفتار فقط به گسترش توحش و خونریزی در عراق تداوم بیشتری خواهد بخشید و مردم در عراق مهمترین قربانیان آن خواهند بود.

اعدام قتل عمد دولتهاست و اصولاً هیچ ربطی به اجرای عدالت ندارد. اجرای این حکم وحشیانه تنها اعلام برتری تعدادی از دیکتاتورها بر یک دیکتاتور ساخته دست خود آنها بود.

کمیته بین المللی علیه اعدام، قتل عمد دولتی را در هر جا و بر علیه هر فردی محکوم میکند. ما اعدام صدام حسین را به شدت محکوم کرده و خواهان لغو قطعی احکام اعدام در همه جای دنیا هستیم.

انسان ممنوع! اعتراض و عصیان

مهناز قزلو (رها)
سوند - گوتمبرگ

زنان دیگر است. بنظر می رسد واعظانی که چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند، فتوا بر تجویز حق هرزگی مردان می دهند وانگاه زن را سنگسار می نمایند.

تهیدستی بر زنان فشار می آورد. بر طبق گزارش های سازمان ملل متحد، بیش از پانزده درصد خانوارهای ایرانی از یک زن تنها و کودکان او تشکیل یافته اند. زنان زیر چتر حمایت اجتماعی قرار ندارند. بنابر گزارش های وزارت امور اجتماعی ایران، دست کم سیصد هزار زن خودفروش در ایران هستند و سن متوسط زنان خودفروش مرتباً پایین تر رفته است. هر از چندی گزارش هایی از کشف فاحشه خانه در گوشه و کنار کشور انتشار می یابد. در مواردی زنان جوان شوهر نکرده توسط نیروی انتظامی دستگیر و مجبور شده اند که برای تشخیص باکرگی مورد معاینه پزشکی قرار گیرند. کدامیک از این شارعان خطابه گو مزین به بکارت وجدان، شرف و انسانیت است که اینگونه عرف می فرمایند!

هشت میلیون بیسواد مطلق، میلیون ها معتاد به مواد مخدر، بی خانمان، گرسنه و..... حاصل حاکمیت ابلیس متعنی است که سنگینی لاشه اش را همچنان بر شانه های فقر زده مردم تحمیل می دارد. شمار کودکان خیابانی در ایران فراتر از سی هزار تن برآورد شده است. این کودکان با واکس زدن، ماشین شویی و آدمس فروشی امرار معاش می کنند. هر ماه شمار زیادی از آنان به علت کم غذایی و شرایط خطرناک زیستی جان خود را از دست می دهند. مجازات کودکان زیر هجده سال در ایران بطور کلی همانند مجازات بزرگسالان است. آن ها به اعدام محکوم می شوند که البته در تضاد با کنوانسیون حقوق کودک است. کنوانسیون که ایران آن را امضا و تصویب کرده است!!

اینان از جرعه جرعه این جام خون آلود تنها مستانه عربده می کشند و سخت غافلند از رویش و باروری حس بکر و عاصی عصیان. "از شعله ای که خون ارغوان ها در چمن افکنده و آوای شورافکنی که کران تا کران بانگ برخواهد آورد و قفس ها را خواهد سوزاند. ستاره ها همچنان می ستیزند و شب خواهد گریخت. صبح روشن در راه است." در این راستا لزوم اتحاد و مبارزه همه جانبه علیه تمامیت حکومت جمهوری اسلامی ایران انکارناپذیر است.

هر گونه اشکال تبعیض علیه زنان و ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی توسط شورای نگهبان رد می شود! کنفرانس هالوکاست برگزار می کنند. شگفتا از این نگاهبانان قوانین الهی! حوزه روابط جنسی شهروندان با منافع امنیت ملی اشان سخت در تعارض قرار می گیرد. اصل را بر هر چه برجسته ساختن تقابل های موهوم گذارده اند و از این رهگذر برمی پایند. سرکوب زن، تحمیل مرد.

اینان اعدام می کنند و حکم به مجازات قطع عضو می دهند. شلاق می زنند. چشم کور می کنند. شمار زندانیان افزایش می یابد. تعداد دلباختگان و سنگسارشدگان افزون می گردد. خویشاوندان مقتول را در لابیرنت های دریافت خون بها و عفو و حیات فرد دخیل می سازند. با جان آدمیان انبان می انبازند. در پی پرداخت دیه حکم اعدام را به حکم زندان مبدل می نمایند. در این میان مرد را برتر از زن دانسته، مسلمان را از غیرمسلمان. اما مگر بر اساس وجدان آگاه، شعور و کرامت انسانی می توان سرشت و سرنوشت بشری را به بهانه جنسیت به طور تجربیدی و انتزاعی تفکیک کرد و در تقابل نگاه داشت و از آن اینگونه بی شرمانه سود جست.

قانون مدنی از جمله در زمینه ارث و طلاق زنان را مورد تبعیض قرار می دهد. سهم الارث دختران نصف سهم الارث پسران است. خون بهای زن کمتر از خون بهای مرد است. آشفستگی ناروشن معیارهای قضایی، مقررات سختگیرانه پوشش و معاشرت در مورد زنان، شرط اجازه ذکور جهت دریافت گذرنامه برای خروج زنان شوهردار از کشور و

اما برای مردان تنها تسلیم درخواست طلاق کافی است و ضرورتی برای ارائه دلیل وجود ندارد. مرد مسلمان اجازه ازدواج با زن غیرمسلمان را دارد در حالی که زن مسلمان مجاز به ازدواج با مرد غیرمسلمان نیست. زن فاقد حق قانونی برای جلوگیری از ازدواج موقت شوهر خود (صیغه) با

جنسیت ام یگانه گشتم. بی نهایت غنی و خلاق. دیگر زن ممنوع نبودم. شاهکار جسورانه ی اعتراض، نه آن گشتم و نه این، خود گشتم. خود را نفس کشیدم. خود را گفتم. خود را سرودم. آنچه آن که هستم. سرشار از هستی، در کمال باور اقتدار خویشتن، زیبا و یگانه. عریان از تقابل های موهوم. طنین تن، باور و موجودیت کامل خود، انسان. جهان را یکسره همچو لمس تن عریان کویر با سرانگشت لطیف باران دریافتم.

خود را کاویدم و با قلم موی حس، بی قرار و پرشور در اندیشه ای اعجازانگیز بازیافتم، به تصویر کشاندم. ساحتی جهانشمول را! زن را! به رغم وسعت سرکوبی که تاکنون در دخمه های تودرتوی تاریخ اش رانده اند. تمامیت زیباشناختی، موجودیتی قدرتمند، یک کمپوزیسیون بی نظیر.

هدف فراگیر سیستمی که ترا و مرا ناتوان می خواهد نقض انسان است. در پس مقاصد سیاسی شوم برابری همچون دخترکی خنثه می شود. عدالت همچون شوریدگی یک باور شگفت در دخمه های متحجر ذهن اسیر می گردد. بر اندام آفرینندگی زن آلاچیق سیاه حجاب می کشانند تا مشتانه ترین شور حیات در بسترهای انزوا و اجبار بیژمرد. مرد را نیز بغایت تحمیل می نمایند تا اصل مکمل آگاهی اش را بدست خویش به نام ناموس پرستی و خرافه های نابخردانه به قتل برساند. با ظرافت از شمار انواع اعدام بدست دولت می کاهد. به نظر نمی رسد کسی تاکنون همچون این حافظان اخلاق و دین! چنین مودنیانه تدبیر کرده باشد. راستی را که شیطان را نمادی است بر زمین!

به میثاق های گونه گون می پیوندند میثاق حقوق مدنی و سیاسی - میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - میثاق لغو هر گونه تبعیض نژادی - میثاق حقوق کودکان، اما پروتکل الحاقی مربوط به تن فروشی کودکان را امضا نمی کنند! میثاق منع

می خواهم روی مرگ خود مکث کنم و سهم عادلانه ی خود را از زندگی بگیرم. شتک های حضور خود را روی نیستی بپاشم تا قلمرو انسان از روایتی معوج ویران گشته، دیگرگونه بر غنای سرشتی همگن برساخته شود. درونم را، حقیقتم را و سرخوشی ام را تمکین کنم.

به گستره ی هراس انگیز دریچه های خالی منحنی "نه" می گویم. به اینهمه قاب از هیچ حسی نو در من خلق می شود. گاه دور از دسترس اما سترگ. دیرگاهی است زمان در قفس اکنون است. اما عصیان را از پویایی گریزی نیست. اعتراض را نمی توان متوقف کرد. سیستمی که مرا و ترا خاموش، سازگار و خویشتن دار الهی می خواهد. هرگز! از زیر آوار این نظام و سنت موحش خود را بیرون می کشم سرشار از التهاب سرودن خود.

عصیان کردم، خبثه ام نامیدند. عاشق گشتم به رهایی، بردار نمودند و دل باختم، به سنگ چهل و ستم سنگسار گشتم. به آوایی سیال روح خود را آواز دادم، ترانه برخواندم، از فرط دریوزگی، بی مایگی و ضعف تحریک گشتمند و صدایم را ممنوع کردند. آیا بهتر نبود این رجال که همه چیز را از دریچه تنگ آلت خود می بینند، حکم قطع عضو را درست همینجا برای خود صادر می فرمودند!

زنانگی ام را این بدقواره های عقیم ربودند. جهان آتشین شورانگیز تنم را و در خفا به ازای احساس گناه با بیماری شرم آور نرینه محوری اشان دفن کردند. مرا به پستوهای توقیف شده سپردند. آن خطه ی سیاه، آن تاریکی محض. دهانم را هر بار در آن تاریکی گم کردم. دهان من گشتمند. دستانم هر بار در لمس پیکرم فلج شد، دستان من گشتمند و چنان در من دمیدند که گویا خویشتن اند. حق تعریف مرا از آن خود دانستند. بغایت چون نمادی هیولایی از تصویر آنان هراسیدم. تصویری سخت مضحک و گمراه کننده پیر امون این تاریکی جسارتی بازیگوش در من متبلور گشت و دغدغه ای در من، در زن، در آفرینندگی و مادینگی. جوهره حیات و آفرینش. حقیقت من چون باوری مرموز در پیکرم سر رفت. با

Appeal fund for the release of Nazanin Fatehi & latest news on her situation

Nazanin, the Iranian teenager under a sentence of death, was acquitted, but the Islamic authorities are demanding that her family pay blood money (so called 'diye'). This callous and reactionary behaviour must be condemned. If anybody is to pay damages, it should be the Islamic Republic, for the psychological and physical torment that it has inflicted on Nazanin by and during her imprisonment. Nazanin's lawyers have also protested against the demand for blood money. Meanwhile, on Monday Nazanin's defence lawyers found out from the Prosecutors' Office that Nazanin could be released on payment of a bail of 4 million Toman (around US\$40,000).

To raise such a huge sum is beyond the means of Nazanin's family. We are therefore reaching out for help to all those who helped win Nazanin's campaign. We call on all concerned individuals and human rights organisations in Iran and around the world to contribute to the special fund that has been set up for this purpose.

You may pay your contributions to any of the following accounts:

Germany:

Post Bank

International kampagne von frauenrechte e.v

Konto: 856915 469

IBAN: DE36 4401 00460856 9154 69

BIC PBNKDEFF

Blz: 44010046

Sweden:

Plusgirokonto: 412085-3

IBAN: SE 819500 00996042 0412 0853

BIC: NDEASESS

We call on everyone to help so the campaign to save Nazanin succeeds fully, and we can celebrate her release. By paying the bail we will be able to return Nazanin to the warm embrace of her family.

Mina Ahadi

International Committee Against Execution

15 Jan 2007

www.adpi.net

minaahadi@aol.com

0049-1775692413

اعدام کودکان و صدور حکم اعدام برای کودکان باید متوقف شود! ماشین کودک کشی جمهوری اسلامی را باید از کار انداخت!

خطر صدور حکم اعدام برای آقایان 15 ساله که دوست 9 ساله خود را در هفتم آذرماه 84، کشته است، بسیار است. خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی در گزارش خود می آورد که در شعبه 74 دادگاه کیفری تهران به ریاست قاضی کوه کمره ای، پرونده آقایان مورد بررسی قرار گرفت. این خبرگزاری ادعا می کند که خانواده مقتول، احمد، تقاضای قصاص کرده اند و این بهانه ای است برای دادگاه اسلامی جمهوری اسلامی که برای آقایان حکم اعدام صادر کند.

این اولین باری نیست که جمهوری اسلامی کودکان زیر 18 ساله را به اعدام محکوم می کنند. هم اکنون محکومین به اعدامی که در زمان جرم زیر 18 سال بودند، در زندان جمهوری اسلامی در انتظار به سر می برند. حمزه، نازنین و دلارا، هر سه در زمان وقوع جرم زیر 18 سال بوده اند. جمهوری اسلامی در گزارش عفوبین الملل در سال 2006، به عنوان دولتی که کودکان زیر 18 سال را اعدام می کنند، مورد انتقاد شدید قرار گرفت.

جمهوری اسلامی باید اعدام و صدور احکام اعدام برای کودکان را بلادرنگ متوقف کند. ما همه سازمانها و گروهها حقوق بشر را فرا می کنیم که به این سببیت غیر انسانی جمهوری اسلامی شدیداً اعتراض کنند. باید از سراسر دنیا نامه های اعتراضی به سوی جمهوری اسلامی سرازیر شود. کمیته بین المللی علیه اعدام تمام تلاشش را می کند که جمهوری زیر شدیدترین فشارهای بین المللی قرار گیرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

2007-01-22



**NAZANIN FATEHI WILL NOT
BE EXECUTED!
JUDGES FOUND HER NOT
GUILTY
WE NOW NEED YOUR HELP TO
SECURE HER FREEDOM!
www.HelpNazanin.com**



Dear Friend,

Almost one year ago I started a petition to help save the life of 17-year-old Nazanin Fatehi in Iran who was sentenced to death by hanging after she stabbed one of three men who attempted to rape her and her 15-year-old niece. With 340 000 petition signatures from around the world and the help of the International Committee Against Execution we have engaged, Amnesty International, the UN, Canadian Parliament, the EU, and others, we have put pressure on the Iranian Officials to spare the life of this child.

On June 1st 2006, the Head of Judiciary Ayatollah Shahroudi announced a stay of execution and called for a complete new trial.

This trial took place on January 10th, 2007. The five judges that reviewed her case determined that the act was unintentional and was indeed a case of **self-defence**. As a result, **Nazanin was exonerated from the charge of murder**, however the court also ruled that disproportionate force was used by Nazanin while trying to defend herself and her niece. Accordingly, they have asked Nazanin to pay \$35,000 USD compensation "diyeh" (blood money) to receive a pardon from the family of the deceased before she can be released from prison.

Nazanin's lawyers intend to appeal the payment of restitution but since this appeal may take several months, they have requested bail so that Nazanin may be released from prison immediately. The court has set bail in the amount of 400,000,000 Rials (approx US\$45,000).

At this point, because Nazanin's family is very poor and unable to make payment of the bail or blood money your generosity is urgently requested to secure Nazanin Fatehi's freedom as soon as possible.

To make a donation in the Nazanin Fatehi Trust fund please go to the **Donations** page at www.helpnazanin.com

**\$31,000 USD HAS BEEN RAISED,
ONLY \$14,000 USD TO GO!**

From her prison cell, Nazanin Fatehi wanted to thank everyone that has been working so tirelessly on her behalf and everyone who has signed the petition.

Thank you,

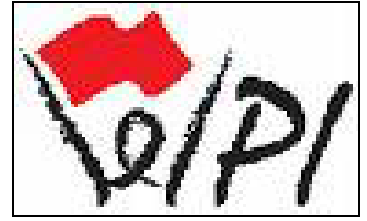
Nazanin Afshin-Jam & Team at www.HelpNazanin.com

انجمنهای دفاع از حق زندگی را سازمان دهید!



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

به مناسبت اعدام صدام



و همدستانش برای پنهان کردن کل این پرونده، بشریت عمق ریاکاری دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا و ماهیت دموکراسی آنها را نیز نظاره کرد.

صدام باید در يك دادگاه مردمی و عادلانه و بطور علنی محاکمه میشد و تمام پرونده جنایات او و حامیان و شرکای داخلی و منطقه ای و جهانی اش گشوده میشد و در اختیار افکار عمومی دنیا قرار میگرفت.

حزب کمونیست کارگری اعدام صدام حسین را محکوم میکند. اعدام قتل عمد دولتی، ابزاری در دست دولتها علیه مردم و ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر علل اصلی و پایه ای خشونت و جنایت و ستمگری و نهادینه کردن خشونت و انتقامجویی در جامعه است. اعدام صدام علاوه بر همه اینها اعلام این حکم جنایتکارانه به مردم عراق و دنیا بود که خشونت و انتقامجویی و بیحقوقی مردم جزء لاینفکی از سیستم حکومتی و سیاسی در عراق خواهد بود.

نداشت. محاکمه صدام میتواندست چهره بسیاری از دولتمردان غربی و خاورمیانه ای همکار و همدست او را به مردم دنیا معرفی کند و جلو همین را گرفتند. او را قربانی کردند تا قدرتی نظم نوین آمریکایی را به جهان و به قدرتهای رقیب نشان دهند. تا جهان را در دوره پس از "جنگ سرد" زیر سیطره "نظم نوین آمریکایی" بکشانند. اعدام صدام حسین این پیام را به بشریت داد که دولت قومی-مذهبی دست پرورده آمریکا در عراق، اساسا از همان جنس دیکتاتوری بعثی صدام حسین است.

از همراهی و حمایت همه جانبه دول غربی از حکومت سی ساله صدام تا هجوم نظامی به عراق و در هم کوبیدن شیرازه زندگی مردم در این کشور و نهایتا محاکمه و اعدام صدام، جملگی پرده از دموکراسی ریاکارانه دول غرب و بویژه دولت آمریکا نیز برداشت و علیرغم تلاش دولت آمریکا

اما اعدام صدام پایان دیکتاتوری و خشونت و بیرحمی نیست. صدام را به دلیل ستمگری و بیرحمی اش علیه مردم سرنگون و اعدام نکردند. او خود دست پرورده قدرتهایی بود که نظامی ضد انسانی و ستمگرانه را نمایندگی میکنند. حتی اجازه ندادند تا جنایات بی شمار او علیه مردم بیگناه در یک تریبونال به گوش مردم دنیا برسد. محاکمه و مجازات صدام حسین، نظیر محاکمه میلوسویچ و محاکمات دیگری از این نوع که معمولا فاتحین در یک جنگ علیه شکست خوردگان برپا میکنند، تماما امری سیاسی و در خدمت اهداف دولت آمریکا و متحدینش در منطقه بود. ذره ای عدالت و حقیقت جوئی در این محاکمه وجود نداشت. او را در یک دادگاه سر هم بندی شده محاکمه کردند که با هیچ معیاری بویژه برای محاکمه یکی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ خوانائی

صبح امروز صدام حسین دیکتاتور سابق عراق به فرمان دولت آمریکا و دولت دست پرورده قومی مذهبی آنها در عراق به دار آویخته شد. رژیم صدام در طول حدود سی سال حاکمیتش نمونه ای از جنایتکارترین و سرکوبگر ترین دیکتاتوری های تاریخ بود و قربانیان بی شماری از مردم گرفت. خفقان و بیرحمی و یکه تازی عوامل حکومت بعثی صدام، رنج و مشقت عظیمی بر مردم این کشور و بویژه مخالفین و فعالین کارگری و کمونیستها و اقلیتهای قومی و مذهبی تحمیل کرد. دهها هزار نفر در طول تاریخ این رژیم شکنجه، اعدام و سر به نیست شدند و یا بیرحمانه با بمباران شیمیایی و به اشکال دیگر قتل عام گردیدند. جنایات حکومت صدام علیه مردم براستی قابل توصیف نیست و هیچگاه در تاریخ فراموش نخواهد شد.

اعدام کودکان و نوجوانان توسط جمهوری اسلامی، باید به این توحش خاتمه داد

عبدل گلپریان



سن قانونی از طرف رژیم اسلامی به اعدام محکوم می شوند، همین رژیم اسلامی است. نباید بیش از این دست رو دست گذاشت و نظاره گر جنایات دیگری از جانب این دستگاه آدم کشی بود. تا کنون به یمن تلاش و فعالیت های شبانروزی کمیته بین المللی علیه اعدام و تلاش و همکاری انسانهای آزادیخواه بسیاری در چهار گوشه جهان، و اعتراضات اجتماعی در جامعه، رژیم اسلامی کودک کش، ناچار به عقب نشینی شده است. اگر تا کنون این تلاشها توانسته است جان بسیاری را از خطر قتلی که در روز روشن و در جلو چشم همگان توسط این رژیم صورت می گیرد، نجات

دوره جنگ، کودکان زیادی را که جایشان در مدرسه و شهرکهای بازی و شادی و خنده بود، به قتلگاههای جنگ و روی مینها فرستاد. خوش شانس ترین آنها هم اکنون معلول و خانه نشین هستند. پدیده اعدام بعنوان ابزار قتل عمد دولتی و برگرفته از موهبت الهی توسط جمهوری اسلامی، برای زهر چشم گرفتن از مردمی است که خود بانی فقر و سیه روزی آنان است. نباید گذاشت بیش از این کودکان و نوجوانان ما قربانی ماشین آدم کشی این رژیم شوند. رژیم اسلامی و قوانین ارتجاعی، کودکان زیادی را بی خانمان، بی سرپرست و روانه زندانها و قتلگاهها نموده است بانی سرنوشت هر کدام از کسانی که زیر

از سیاهترین کارنامه های این رژیم است. دلارا دارابی، نازنین فاتحی، و دهها و صدها کودک و نوجوان دیگر، از جمله کسانی بوده اند که زیر سن قانونی از طرف دستگاه کودک کشی رژیم اسلامی، به اعدام محکوم شدند. عامل اصلی تمام نابسامانیهای اجتماعی در این مملکت، سرگردانی کودکان، کودکان کار و خیابانی، اعتیاد و تن فروشی، فقر و بیکاری، گرانی و ناداری و بسیاری مصائب دیگر، جمهوری اسلامی است. مافیای رژیم اسلامی زندگی میلیونها انسان و بویژه کودکان را با مخاطره جدی همراه ساخته است. این رژیم با تبلیغات عوامفریبانه در

کودک کشی توسط رژیم جمهوری اسلامی امری کاملا متعارف و موازی با قوانین اسلامی آن است. دوران عصر حجر و قرون وسطی را نمیتوان حتی با قوانین حکومت اسلام و کلا مذهب مقایسه کرد. اعدام کودکان توسط ماشین انسان کشی رژیم اسلامی و طی حاکمیت 3 دهه از موجودیت منحوسش، کماکان ادامه دارد. رژیم جمهوری اسلامی از مقطع به قدرت رسیدنش تا کنون، کودکان زیادی را به کشتن داده است. کشتار کودکان بیشماری در دوران جنگ ایران و عراق و برای خنثی کردن مین ها، دستگیری و زندانی کردن کودکانی که تحت عنوان " مجرم" به زندان افکنده شده اند، یکی

اعدام صدام حسین، چالش جامعه شناسانه یک حاکمیت در بن بست

نادروهابی

حقوقی که از طرف آمریکایی ها انتخاب شده بود برای جمع آوری اسناد و مدارک شروع به کار نمود. نکته جالب اینجاست که انگلیسی ها با آنکه در عراق حضور فعال دارند ولی به دلیل اینکه به حکم اعدام اعتقاد ندارند از آغاز در این دادگاه شرکت نکرده اند ولی آمریکایی ها با شرکت فعال، اولویت خود را به یافتن اسناد مربوط به تسلیحات شیمیایی کشتار جمعی نمودند که با توجه به دروغ بودن به یک پارامتر منفی علیه آنها تبدیل شد. با توجه به مشخص شدن این دروغ از بیست مورد پیش بینی شده محاکمه علیه صدام حسین فقط دومورد درستورکار قرار گرفت که خصلت سیاسی و انتقامی آن چه برای شیعیان و چه برای کردها جذابیت داشت. یک طرف ذینفع این انتقام حزب دعوه عراق است که جزء ائتلاف حاکمیت فعلی است. بازوی نظامی این حزب، سپاه بدر، در هشتم ژوئیه ۱۹۸۲ هنگامی که صدام حسین سوار بر مرسدس سفید رنگ ضد گلوله خود راهی شمال عراق بود، در نخلستان های دوجیل وی را هدف حمله مسلحانه قرار داد. ولی از آنجایی که به صدام در آن موقع آسیبی نرسید، رهبران این جریان پس از ۲۳ سال خواهان انتقام از صدام حسین به دلیل کشتار شیعیان این روستا بودند. بنابراین روند دادگاه از آغاز در تقابل این جریان با صدام شکل گرفت. این تقابل در ابتدا با فرضیه فرسایشی شدن دادگاه

سرانجام پس از سه سال و ۷ روز در سلول اشغالگران آمریکایی، صدام حسین صبح روز شنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ در سن ۶۹ سالگی در ساعت حدود ۶ بامداد به وقت عراق در منطقه تحت حفاظت آمریکا نیان به صورت حلق آویز اعدام شد. این اعدام در روز عید قربان که یکی از اعیاد بزرگ مسلمانان است موجب واکنش های متفاوت و متضاد در خاومیانه جهان گردید. در یک طرف یک احساس شادی و شور عوام فریبانه دیده می شود که توسط جریان شیعه بدر، اشغالگران آمریکایی، رژیم ایران و رژیم اسرائیل- با همدستی و سکوت کشورهای مرتجع و وابسته عرب- نمایندگی می شود. در طرف دیگر یک احساس تحقیر و توهین و خشم فروخورده دیده می شود که توده های عرب و روشنفکران متعهد ضد اشغال آن را نمایندگی می کنند. مطبوعات کشورهای غربی هم، بازیکاری تمام بیشتر تصویر یک جنایت کاردیکتاتوری را به نمایش گذاشتند که سرانجام بهای دیکتاتوری خود را با اعدام پرداخته است. (۱)

با اعلام محاکمه صدام حسین در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵، اشغالگران آمریکایی در نظر داشتند که بابه محاکمه کشاندن صدام حسین برای دولت فعلی عراق مشروعیت کسب کنند اما روند دادگاه طی ۱۴ ماه گذشته این مشروعیت، برعکس

باید مدام کرد اما مهمتر از همه بایستی کاری کرد که این قتل و این آدم کشی دولتی را متوقف کرد. باید پدیده اعدام و این کثیف ترین جنایت که آگاهانه و عمدا توسط دولت صورت می گیرد، با اعتراض قدرتمند مردم شریف و آزادیخواه و برابری طلب در جامعه پاسخ بگیرد و ممنوع اعلام گردد. جنبش اجتماعی مردم علیه اعدام و ممنوعیت کامل آن باید بتواند روز بروز وسیعتر و

قدرتمند تر به میدان بیاید. باید حول کمیته بین المللی علیه اعدام گرد آمد. راه دیگری وجود ندارد. باید متحد و یکپارچه از فرزندانمان، از جگر گوشه هایمان، از انسان و انسانیت دفاع کرد.

لغو فوری اعدام بعنوان کثیفترین جنایت و آدم کشی عمدی، می تواند خواست و مطالبه فوری این جنبش باشد. روزی که ممنوعیت اعدام را به رژیم کودک کش تحمیل کنیم، گامهای

وسعی را در سرنگونی آن برداشته ایم. چنین روزی دور نیست. همانگونه که می توانیم دست در دست هم جان انسانی را از مرگ نجات دهیم، همانگونه که با هم توانستیم نازنین را به آغوش خانواده اش و برای زندگی باز گردانیم و رژیم اسلامی را به عقب نشینی واداریم، قطعا خواهیم توانست ممنوعیت اعدام را نیز بکرسی بنشانیم

منظور زیرسئوال بردن مشروعیت دادگاه عملی سازد و این نقش را حتی تا لحظه انداختن طناب برگردنش با صلابت تمام ایفا نمود و از همه مهمتر روند دادگاه به گونه ای پیش رفت که صدام رفته رفته نقش قربانی را به خود گرفت در حالی که علی الاصول وی درسکوی متهم قرار داشت. در کنار ایستادگی صدام حسین، باید به ضعف نشان ندادن سه نفر دیگر از متهمان اصلی این پرونده، طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق، برزان تکریتی برادر صدام و نیز عود الیندر اشاره نمود که چه دراعتصاب غذای 17 روزه در ژوئیه 2006 و چه در بقیه فرآیند این دادرسی در کنار صدام حسین بودند و از پشتیبانی وی دریغ نمودند و این اتحاد باعث شده که دست اندرکاران علیرغم میل خود نتوانستند اعضا و مقامات دولت صدام را علیه او در دادگاه به شهادت بطلبند. صدام حسین و سه تن از متهمان دیگر پرونده دوجیل علیه روند محاکمه و همچنین درخواست تدابیر بهتر امنیتی برای وکلای خود، از تاریخ 7 ژوئیه دست به اعتصاب غذا زده بودند و این ایستادگی باعث شد که دادگاه روال عادی خود را از دست بدهد و در بستری از شرایط نامناسب فوق است که دست اندرکاران دادگاه در موضع دفاعی قرار می گیرند و ادامه روند محاکمه رایبه سود خود نمی بینند و بنابراین با گرفتن وکلای تسخیری، به پایان رساندن سریع دادگاه و اعدام شتابان صدام در دستور کار قرار گرفت.

به اعتقاد نگارنده صرف نظر از موقعیت ویژه عراق که عنصر اشغال، اوضاع این کشور را به یک پارادوکس بغرنج تبدیل نموده است، در حال حاضر مدل یکسان قضایی در چگونگی برخورد با مقامات سیاسی رژیم قبلی که در سر کوب مردم دست داشته اند وجود ندارد و دانش علوم سیاسی در حال بررسی و جمع بندی از مدل های واکنشی است که پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای متفاوت در مورد نحوه محاکمه مقامات رژیم قبلی اجرا شده است.

بررسی جامع این مدل ها را به کتاب آینده ام مو کول می کنم ولی در چارچوب این مقاله سئوالات زیر قابل بررسی است :

با مقامات رژیم صدام حسین و شخص خود وی که یک رژیم تک حزبی اتوریتر را نمایندگی می کردند چه باید کرد؟ صدام حسین در دوران زمامداری 30 ساله خویش شمار زیادی از مخالفین سیاسی خود را به جرم اعتقادا نشان اعدام نموده است. چه پاسخ شایسته ای برای مرهم گذاری به زخم های روحی و روانی خانواده های این قربانیان وجود دارد؟ آیا باید صدام و مقامات مسئول رژیم وی را اعدام نمود؟ آیا باید به زندان ابد محکوم کرد؟ آیا باید آنان را به زندان های 5 تا 15 سال محکوم کرد و سپس با عفو آنان سیاست آشتی ملی را پیشه نمود و در نتیجه گذشته را فراموش کرد؟ آیا باید آنان را به جزیره های بد آب و هوا تبعید نمود تا به تدریج در آنجا بمیرند؟ خلاصه چه مدلی از رویه قضایی را باید انتخاب نمود؟ اگر قرار باشد عدالت برای همه مفهوم یکسان داشته باشد حال که معلوم گردید رژیم وی فاقد سلاح های شیمیایی بوده نباید این دادگاه این اختیار و وظیفه را داشته باشد که رهبران آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای که در حمله به عراق نقش داشته اند محاکمه کند؟ اگر محاکمه صدام واقعی است پس چرا نباید نظامیان آمریکایی و در راس آنان رامز فلدر که در شکنجه زندانیان ابو غریب عراق و خلیج گوانتا دست داشته اند به محاکمه کشید؟

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل می رسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم می کنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرند: مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یک سوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است، کوچکترین تغییری در این واقعیت نمی دهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. (2) الگوی حاکم پس از جنگ جهانی دوم، اعدام مقامات سیاسی رژیم قبلی بوده است (اعدام سران نازی در آلمان، اعدام

مقامات رژیم شاه در ایران..و) اما از ابتدای دهه 1990 الگوی دیگری در حال شکل گیری است که اعدام رانفی می کند(آفریقای جنوبی، چکسلواکی، آرژانتین ..و) و خواهان تشکیل کمیسیون کشف حقیقت، کمک مالی به خانواده های قربانیان و حبس طولی المدت برای چنین مقاماتی است. کدام الگو صحیح تر و قابل دفاع تر است؟

بنابراین اعدام صدام حسین نه تنها از نظر انسانی قابل دفاع نیست بلکه از نظر تاریخی هم این دادگاه به اهداف خود نرسیده است. زیرا تمایل عمومی در سطح بین المللی به سمت زندانی نمودن مجرمین سیاسی و تشکیل کمیسیون کشف حقیقت و بازسازی اخلاقی آنهاست.

عراقی ها خواهان آن بودند که دادگاه با محاکمه صدام به مردم عراق این فرصت را بدهد که آنها یک بازنگری مجدد به تاریخ گذشته خودشان داشته باشند که در خلال 30 سال زمامداری صدام حسین با جنگ، کشتار و رنج عجیب بوده است. آنها به هیچ وجه میل نداشتند که این دادگاه تبدیل به انتقام گردد بلکه مایل بودند که این دادرسی به آنها فرصتی دهد که به قضاوت بی طرفانه از یک برهه تاریخی کشورشان بنشینند. بجای اینکه این دادگاه به ثبت خاطرات بی طرفانه تاریخ معاصر عراق منجر گردد جلسات دادگاه به صورت "نمایشی" در آمده بود که از آن اهداف سیاسی دنبال می شد. از دادگاه به عنوان یک برگ برنده در دست کسانی که بر مردم عراق حاکم اند مورد بهره برداری واقع شد. از این رو اعدام صدام را باید درین بست تمام عیار دادگاه دید و آنرا به عنوان یکی از نقاط ضعف حاکمین فعلی عراق دید.

بدون هیچ تردیدی بن بست دادگاه را می توان بازتابی از شرایط حاکم بر عراق دانست که برخلاف وعده های دروغین بوش و همدستش تونی بلر مبنی بر اینکه "دمکراسی در عراق در حال پیشرفت است"، روز به روز اوضاع از نظر سیاسی و اجتماعی وخیم تر می شود. این مختصات رامی توان در پیام محرمانه آخرین سفیر انگلیس در بغداد، ویلیام پتی، (William Patey)، برای وزارت خارجه انگلیس مشاهده کرد. وی در گزارش

خود یادآور می شود: "یک جنگ داخلی با آهنگ ضعیف و یک تقسیم کشور به دویلوک در چشم انداز عراق بیشتر دیده می شود تا یک روند جدی به سوی دمکراسی پایدار. از این پس انتظار بوش مبنی بر تشکیل یک دولت با ثبات در عراق را باید به زیر سوال برد علیرغم اینکه در مبارزه با تروریسم در کنار آمریکا هستیم" (3) علیرغم این بن بست، دولت نوری المالکی اعلام نمود که دادگاه به نمایندگی از مردم عراق صدام حسین را اعدام نموده است اما وی فراموش کرده است که تا هنگامی که آمریکا بیان در عراق حضور دارند این دادگاه که ساخته و پرداخته آنهاست فاقد اصول پایه ای و جامعه شنا سانه یک حاکمیت مستقل است. این فقدان مشروعیت، یک ضعف ساختاری این نظام است که حاکمان فعلی به دلیل وابستگی سیاسی به آمریکا از آن رنج می برند و از این رو به نظر می رسد که اعدام صدام حسین از یک سو برای پوشاندن شکست انتخاباتی بوش در آمریکا است و از سوی دیگر دولت لرزان نوری المالکی خواهان نشان دادن قدرت و اقتدار خود در تعادل قوای داخلی عراق با سایر نیروهای سیاسی است.

اما این اعدام امری است سیاسی و بدون هیچ تردیدی باتوجه به بافت عشیره ای و قبیله ای جامعه عراق، موجب تولد جنبش های سیاسی جدیدی برای خونخواهی صدام حسین علیه اشغال گران و دولت فعلی عراق خواهد شد. این اعدام همانند حمله به پراگ، مقاومت مردم عراق، احساس ذلت و حقارت آنان، نه به صورت واقعیتهای تاریخی که به زیاله دان تاریخ سپرده شود، بلکه همچون حقایقی افشاکننده از هستی یک ملت در رنج، خون و ستم آستن دینامیزم جدیدی از تحولات سیاسی آینده عراق خواهد بود که اشغالگران و کوته بینان حاکم بر عراق بهای آن را سخت خواهند پرداخت.

منابع:

1 روزنامه لوموند چاپ فرانسه، 2 مصاحبه زنده یاد منصور حکمت با خاوران. 3 روزنامه لیبراسیون، چاپ پاریس، جمعه 4 اوت 2006، صفحه: 7



حمزه ۱۷ ساله را میخواهند اعدام کنند!

او فقط ۱۷ سال سن دارد و هفت ماه قبل در جریان یک نزاع با دوستش چند ضربه چاقو به مهدی ۲۰ ساله زده است. مهدی بعد از هفت ماه بستری بودن در بیمارستان متأسفانه فوت کرده است و اکنون جمهوری اسلامی ایران میخواهد این نوجوان ۱۷ ساله را اعدام کند. گفته میشود، قاضی پرونده با اعلام اینکه خانواده مقتول تقاضای پول زیادی را میکنند، خواهان جمع آوری پول برای "نجات" حمزه شده است. حکومت اسلامی با اعدام کودکان و نوجوانان، بیشترین نفرت و انزجار را در سراسر دنیا بر علیه خود دامن زده است و اکنون با محکوم کردن حمزه جوان به مرگ، ظاهراً میخواهد از طریق قاضی پرونده از مردم نیز پول خون جمع آوری کند. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و از اتحادیه اروپا و سازمان ملل میخواهد که فوراً به این حکم وحشیانه و ددمنشانه اعتراض کرده و جمهوری اسلامی ایران را برای لغو این حکم زیر فشار گذارند. جمهوری اسلامی ایران جزو معدود حکومتهایی است که رسماً کودکان و نوجوانان را اعدام میکند. این جنایت علیه بشریت است و باید فوراً به آن نقطه پایانی گذاشته شود. ما از همگان دعوت میکنیم که به این حکم وحشیانه فوراً اعتراض کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام خواهد کوشید با همه امکانات خود مانع اجرای این حکم شده و جان حمزه جوان را نجات دهد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۵ ژانویه ۲۰۰۷



کبرا رحمانپور و شهلا جاهد در آستانه نجات از اعدام



طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، حکومت اسلامی ایران در آستانه زانو زدن در مقابل اعتراضات گسترده بین المللی و اعتراض مردم در ایران بر علیه احکام اعدام کبرا رحمانپور و شهلا جاهد است. کبرا هفت سال است که به اتهام قتل مادر شوهرش در زندان است و محکوم به اعدام کبرا در یک خانه، بعنوان خدمتکار کار نمیکرده که مورد تجاوز مردی قرار میگیرد که از پدرش نیز بزرگتر بوده است. بعد از شکایت کبرا از این تجاوز، مردی که به او تجاوز کرده از کبرا میخواهد با او ازدواج کند و کبرا بعد از ازدواج با این مرد بارها مورد آزار قرار گرفته و سپس در یک روز بعد از حمله مادر شوهرش به او با چاقو در جریان دفاع از خود مادر شوهرش به قتل میرسد. و کبرا همان روز دستگیر و چند روز بعد به اعدام محکوم میشود. کمپین نجات کبرا یکی از بزرگترین و موفقترین فعالیتهای مبارزه علیه اعدام بوده است. مقامات حکومت اسلامی گفته اند که ۹۰ درصد مردم ایران مخالف این حکم اعدام هستند و اکنون میخواهند عقب نشینی کرده و حکم اعدام را زیر فشار اعتراضات لغو کنند.

شهلا جاهد هم که به اتهام قتل در زندان است، در دنیا یک چهره معروف است. فیلم دادگاههای او در چندین سینما در هلند نمایش داده شده و به عنوان فیلم مستند جوایزی نیز گرفت. کمپین نجات شهلا در دنیا توجه های زیادی را به موقعیت زنان در ایران و قتل عمد دولتی جلب کرد. اکنون شایعه لغو حکم اعدام او در میان است و ممکن است رژیم اسلامی در اینمورد نیز مجبور به عقب نشینی شود.

کمپین نجات حمزه ستایی ۱۷ ساله چرا قبل از اینکه از زندگی لذت ببرم و آن را تجربه کنم باید بمیرم

این بخشی از نامه حمزه به افکار عمومی است تا به یاری او بشتابند. حمزه فقط ۱۶ سال داشت که در جریان یک نزاع با دوستش، او را مجروح کرد. هفت ماه بعد دوست او در بیمارستانی در تهران درگذشت. اکنون حمزه که ۱۷ ساله است، در آستانه اعدام است. جمهوری جنایت اسلامی او را دستگیر کرده و بجرم قتل عمد، میخواهد او را به قتل برساند.

حمزه فقط ۱۷ سال دارد و اعدام کودکان و نوجوانان، یک جنایت بیشرمانه علیه بشریت است. حمزه مینویسد:

کجایی مادر تا سرم را به روی سینه ات بگیرم، کجایی مادر تا مثل ۴ سالگی ام گونه های سردم را با بوسه گرمی، نوازش دهی. حالا که تنهایی تمام وجودم را گرفته است، چرا باید شب ها فقط خوابت را ببینم. روزی را که برای همیشه ترکم کردی به خوبی یادم هست. روزی که به جای گرم شدن گونه هایم با بوسه های این گرمای اشک جدایی بود که روی صورتم را پوشانده بود. به یاد داری چقدر صدایت زدم، جوابم را ندادی، حالا ۱۷ ساله هستم، سال هاست که فقط تو را در خواب می بینم و با هم در خواب درد دل می کنیم. مادر یادت هست زمانی که در خیابان دعوا می کردم و کتکم می زدند، چطور مرا آرام می کردی. چرا باید اینطور شود مادر. آن روز کجا بودی مادر، روزی که مرا در دادگاه به قصاص محکوم کردند. مادر ماه هاست که تنهاییم، تو به من بگو چرا قبل از اینکه از زندگی لذت ببرم و آن را تجربه کنم باید بمیرم مادر، آن هم پشت میله های کانون اصلاح و تربیت. چرا هیچ کس به حرف هایم گوش نمی دهد، مادر مثل همیشه حرف هایم را برایت روی باد می نویسم و به یادت شب ها به خواب می روم.

این حرف های حمزه ۱۷ ساله است که حکومت جنایت اسلامی قصد اعدامش را دارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از امروز کمپینی جهانی برای نجات جان حمزه اعلام میکند. به این کمپین بپیوندید و کمک کنید جان حمزه ۱۷ ساله را نجات دهید.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۷ ژانویه ۲۰۰۷

مسئول کمپین نجات حمزه - سامان احمدی

001-416-358-9058

www.adpi.net

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام و قیحاته ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

منصور حکمت